

چکیده

تربیت اقتصادی یا آموزش اقتصادی، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم در توسعه‌ی اقتصادی، فرآیندی است که طی آن، افراد دانش و رفتار مطلوب اقتصادی را می‌آموزند تا مهارت لازم را برای استدلال منطقی و تصمیم‌گیری درست در عرصه‌های تولید، توزیع و مصرف کسب کنند و ضمن تأمین منافع شخصی، به حفظ منافع جامعه متعهد باشند. به سبب اینکه امام علی^(ع) اقتصاد را منبع اصلی قدرت یک جامعه عنوان کرده و خود نیز در همه‌ی دوران حیاتش به فعالیت، کار و تلاش اهتمام داشته، سیره‌ی آن حضرت منبعی اصیل، غنی و ارزشمند برای تبیین مؤلفه‌های تربیت اقتصادی است که با فرهنگ جامعه ایرانی - اسلامی همخوانی دارد و قابل آموزش به تک‌تک افراد جامعه، برای تنظیم روابط اقتصادی خود است. این مقاله با روش کتابخانه‌ای و به شیوه‌ی توصیفی - تحلیلی، به دنبال تبیین مؤلفه‌های تربیت اقتصادی در سیره‌ی امام علی^(ع) است که نتایج حاصل از این بحث بیانگر آن است که دوازده مؤلفه، شامل توکل به خدا، رعایت انصاف، التزام در کسب روزی حلال، رعایت الگوی مصرف، خوش‌خلقی، امانت‌داری، اهتمام به کار و تلاش، اهتمام در سازندگی و آبادانی، حفظ منافع جامعه، برنامه‌ریزی، التزام در ارائه‌ی کار باکیفیت و التزام به قانون در سیره‌ی اقتصادی امام^(ع)، به‌عنوان الگوی اسلام ناب، برای آموزش افراد جامعه وجود دارد.

آیت قبادی

دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه
لرستان
ayat1360gh@yahoo.com

دکتر داریوش نظری

استادیار گروه تاریخ دانشگاه لرستان،
نویسنده‌ی مسئول
dariushnazari76@yahoo.com

دکتر مجتبی گراوند

استادیار گروه تاریخ دانشگاه لرستان
gravand25@yahoo.com

دکتر سید علاء‌الدین شاهرخی

دانشیار گروه تاریخ دانشگاه لرستان
shahrokhi.a@lu.ac.ir

واژگان کلیدی:

تربیت اقتصادی، امام علی(ع)،
سیره، تربیت، اقتصاد.

بیان مسئله

میان توسعه‌ی اقتصادی که استقلال، ثبات و پویایی یک جامعه را به دنبال دارد و مقوله‌ی آموزش، رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد و در واقع، «هیچ کشوری بدون سرمایه‌گذاری در حوزه‌ی آموزش نمی‌تواند به توسعه‌ی اقتصادی پایدار دست یابد» (بیکر^۱، ۱۹۹۰، ص ۱۵).

در دهه‌های اخیر و به‌ویژه در میان کشورهای توسعه‌یافته، موضوع تربیت اقتصادی یا آموزش اقتصادی به افراد جامعه و به‌ویژه کودکان، نوجوانان و جوانان اهمیت فزاینده‌ای یافته و این موضوع از اصول ثابت «نظام تعلیم و تربیت کشورهای پیشرفته در کنار آموزش مهارت‌های اولیه و ضروری زندگی» (ریموند، ۱۳۹۳، ص ۷۵) شده است.

از دیدگاه امام علی^(ع)، اقتصاد یکی از ارکان اصلی قدرت جوامع است و به سبب اینکه آن حضرت به‌خوبی با مسائل، تحولات، منابع، کمبودها و مشکلات عرصه‌ی تولید، توزیع و مصرف در جامعه اسلامی آشنایی کامل داشته است، ضمن ارائه‌ی راهکارهای لازم برای رفع مشکلات و معضلات موجود و توسعه‌ی اقتصادی جامعه، درباره‌ی رفتار مطلوب اقتصادی کارگزاران و مسئولان حکومتی و همچنین اصناف و گروه‌های مختلف مردم همچون تجار، بازاریان، ثروتمندان، فقرا، کارگران، فروشندگان، کشاورزان، افراد بیکار و تنبل و تولیدکنندگان آموزه‌های ناب‌ی را بیان کرده است؛ همچنین از دیدگاه امام^(ع)، موضوع تربیت که شامل تربیت اقتصادی هم می‌شود، برای رسیدن به جامعه‌ی الهی و مرفه، یک اصل زیربنایی است (شریف رضی، ۱۳۷۹، ص ۶۱؛ آمدی تمیمی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۳۴) که لازمه‌ی تحقق درست آن، آموزش افراد در «سنین کودکی و نوجوانی» (همان منبع، ص ۵۲۳) با استفاده از «مطالب سودمند است که برای آنان در بزرگسالی کارایی داشته باشد» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۹۵۹، ج ۲۰، ص ۳۳۳).

با توجه به مطالب ذکرشده، این پژوهش بر مبنای مستندات موجود در کتب حدیثی، تاریخی و کلامی، به دنبال پاسخ‌گویی به پرسش ذیل است:
مؤلفه‌های تربیت اقتصادی در سیره‌ی امام علی^(ع) کدامند؟

تحلیل مسئله بر این فرضیه مبنی است که در سیره‌ی اقتصادی امام علی^(ع)، مؤلفه‌های غنی و ارزشمندی درباره‌ی تربیت اقتصادی وجود دارد که به علت جایگاه والای حضرت و علاقه و پیروی عامه مسلمانان از ایشان و ناب بودن مطالب ذکرشده که در ذهن یادگیرنده ماندگاری خواهد داشت، می‌تواند زمینه‌ی ارتقاء سطح استانداردهای موجود در عرصه‌های تولید، توزیع و مصرف را فراهم کند.

بنا به نظر نگارندگان این مقاله، اهمیت و ضرورت موضوع تبیین مؤلفه‌های تربیت اقتصادی در سیره‌ی امام علی^(ع)، برای جامعه‌ی امروز ایران در محورهای ذیل قابل‌بیان است:

۱- به سبب اهمیت «الگو در مقوله‌ی تربیت اقتصادی برای انتقال درست مفاهیم به افراد» (مایکل، ۲۰۰۵، ص ۵۱)، سیره‌ی امام علی^(ع) به‌عنوان تجلی اسلام ناب، الگویی بی‌بدیل در این

1- Becker, William

زمینه است.

۲- با توجه به پایین بودن سواد مالی افراد جامعه‌ی ایران، آموزش مؤلفه‌های استخراج‌شده از سیره‌ی امام^(ع) درباره‌ی تربیت اقتصادی می‌تواند زمینه‌ی علاقه‌مندی و اهتمام افراد جامعه برای ارتقاء سطح سواد مالی خود را فراهم آورد.

۳- نظر به اهمیت موضوع توسعه و الزامات آن در جامعه‌ی ایران که همچون سایر کشورهای درحال توسعه، با مشکلات و معضلات متعدد اقتصادی همچون مصرف زیاد، پایین بودن نرخ بهره‌وری، دلالتی، احتکار، گران‌فروشی، فرار از مالیات و قانون‌گریزی مواجه است و با توجه به اینکه یکی از الزامات اصلی اصلاح این روند، اهتمام به فرهنگ‌سازی و آموزش افراد جامعه است، موضوع تربیت اقتصادی مبتنی بر سیره‌ی امام^(ع)، می‌تواند منبع غنی و ارزشمندی برای تحقق این هدف مهم باشد.

۴- با توجه به اهمیت موضوع اقتصاد مقاومتی که توسط مقام معظم رهبری مدظله‌العالی، برای «رفع آسیب‌های اقتصادی ایران، کاهش وابستگی‌های خارجی، تقویت تولید داخلی و خودکفایی و مقابله با تحریم‌های ظالمانه» (بیات، ۱۳۹۶، ص ۸۱)، ابلاغ شده و در دستور کار ارکان نظام قرار گرفته و با توجه به اینکه تحقق این سند، مستلزم رفع معضلات و مشکلات مطرح در عرصه‌های تولید، توزیع و مصرف است و بدین لحاظ، الزامات خاصی را می‌طلبد، التزام در پیروی از سیره‌ی امام علی^(ع) درباره‌ی تربیت اقتصادی می‌تواند عامل مؤثری در تحقق الزامات این سند راهبردی باشد.

پیشینه‌ی تحقیق

در بررسی پیشینه‌ی این تحقیق باید متذکر شد که درباره‌ی سیره‌ی اقتصادی و تربیتی امام علی^(ع)، به‌صورت جداگانه، تاکنون پژوهش‌های متعددی منتشر شده است؛ اما هیچ‌کدام از این تحقیقات، موضوع مدنظر این مقاله را در برمی‌گیرد و تاکنون هیچ پژوهشی با این عنوان منتشر نشده است؛ اما در لابه‌لای بعضی تحقیقات، مطالبی که با محورهای این مقاله همخوانی داشته باشد، آمده است.

در کتاب سیره‌ی اقتصادی امام علی^(ع) تألیف سید رضا حسینی (۱۳۹۳) نویسنده، درباره‌ی سیره‌ی اقتصادی امام علی^(ع) در دو بخش حکومتی و شخصی، بحث و بررسی کرده است.

خانم‌ها فاطمه صنعتی و زهره موسوی‌زاده (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین مؤلفه‌های تربیت اقتصادی بر اساس آموزه‌های اسلامی»، درمجموع ۴۸ مؤلفه را در ذیل سه مفهوم تولید، توزیع و مصرف در روایات اسلامی بررسی کرده و شرح داده‌اند و به‌تناسب، از بعضی احادیث امام^(ع) در این تحقیق استفاده کرده‌اند.

سید سجاد علم‌الهدی (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «روش‌شناسی اقتصاد اسلامی بر اساس عملکرد اقتصادی امام علی^(ع)»، بعضی از رفتارهای اقتصادی شخصی امام^(ع) و سیره‌ی حضرت در حوزه‌ی نظارت بر بازار، در قالب سیاست‌های حقوق اقتصادی را شرح داده است.

محمد مولایی (۱۳۹۳) در مقاله‌ی «اصول اخلاق تجاری و کسب‌وکار از دیدگاه امام علی^(ع)» در

نهج البلاغه»، ابتدا اخلاق تجاری را تعریف کرده و سپس فلسفه اخلاق تجاری و کسب و کار در اسلام را به بحث گذاشته و سپس اصول و مقررات اخلاق تجاری و کسب و کار از دیدگاه امام^(ع) را در هشت بند، دسته‌بندی و تشریح کرده است.

محمود اصغری (۱۳۸۷) در پژوهش «اصول راهبردی در سیره‌ی اقتصادی معصومین علیهم‌السلام»، مباحث متنوعی در حوزه‌ی رفتار مطلوب اقتصادی ارائه کرده و به تناسب، از احادیث و سیره‌ی امام^(ع) در این پژوهش بهره برده است.

محمد رضا یوسف‌زاده (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین جایگاه و اصول رفتار اقتصادی مطلوب از دیدگاه امام علی^(ع)»، بخشی از رهنمودها و دیدگاه‌های امام^(ع) درباره‌ی رفتار اقتصادی مطلوب و بایدها و نبایدهای مربوط به آن را بررسی و تحلیل کرده است.

مهم‌ترین جنبه‌ی نوآوری این تحقیق، کاربردی بودن موضوعات استخراج‌شده درباره‌ی تربیت اقتصادی در سیره‌ی امام علی^(ع) است که به سادگی و در کوتاه‌ترین زمان، قابلیت انتقال به افراد جامعه را دارد؛ اما پژوهش‌های یادشده فاقد این دو ویژگی هستند؛ همچنین نتایج به دست آمده از این مقاله، برای آشنایی مسلمانان و علاقه‌مندان به سیره‌ی امام علی^(ع) نیز مفید خواهد بود.

مفاهیم کلیدی

در این تحقیق، به معانی دو مفهوم «سیره» و «تربیت اقتصادی» به عنوان مفاهیم کلیدی مقاله اشاره می‌شود.

تربیت اقتصادی

تربیت اقتصادی فرآیندی است که افراد «دانش مربوط به رفتار مطلوب اقتصادی را از کودکی تا بزرگسالی آموخته و به صورت ارزش درونی در شخصیت آنان عجین می‌گردد» (روفیس، ۲۰۱۴، ص ۲۰۵۹) تا مهارت لازم را برای «انتخاب آگاهانه، تصمیم‌گیری درست، استدلال منطقی، استفاده‌ی کارآمد و مؤثر از منابع، انتخاب گزینه‌های مؤثر درباره‌ی سرمایه‌گذاری و پس‌انداز، افزایش بهره‌وری در محیط کار و جامعه، بهبود کیفیت زندگی، رشد خلاقیت و نوآوری، مشارکت در توسعه‌ی اقتصادی جامعه و نحوه‌ی تعامل با جامعه و دولت» (ایلان^۲، ۲۰۰۸، ص ۴۰) کسب کنند.

سیره

خداوند در قرآن، پیامبر^(ص) را به عنوان اسوه‌ی حسنه برای مسلمانان معرفی کرده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب، ۲۱)؛ البته شما را به رسول خدا (چه در صبر و مقاومت با دشمن و چه دیگر اوصاف و افعال نیکو)

1- Refrigeri, Luca

2- Ilhan, Ozturk

اقتدایی نیکوست، برای آن‌کس که به (ثواب) خدا و روز قیامت امیدوار باشد و یاد خدا بسیار کند.» پیام این آیه، پیروی همه‌ی مسلمانان از رفتار و گفتار رسول خدا^(ص)، به‌عنوان بهترین الگو است که خداوند به آن سفارش و تأکید کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۶، ص ۴۳۳).

واژه‌ی «سیره» بر وزن «فَعَلَه» (ابن‌منظور، ۱۴۰۵، ج ۶، ص ۴۵۴)، اسم مصدر از «سیر» است (ابن‌فارس، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۱۲۰) که در لغت به معنای «طَرِيقَه، هیئت، روش، عادت، سنت، زندگی» (طریحی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۳۴۰) است و بر حالت درونی که «انسان و غیر انسان، نهاد وجودش بر آن قرار دارد، اطلاق می‌شود. چنانکه گفته می‌شود که فلانی سیره‌ی و روشی نیکو دارد» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۸، ص ۲۴۷).

سیره در اصطلاح، به شیوه‌ی سلوک، رفتار، سبک و اخلاقیات رسول خدا^(ص) در عرصه‌های گوناگون حیات فردی، اجتماعی، سیاسی و عبادی دلالت دارد که شامل بررسی رفتار شخصیت‌های بزرگ جامعه و ازجمله امام علی^(ع) هم شده است.

سیره‌ی اقتصادی امام علی^(ع) و مؤلفه‌های تربیت اقتصادی در سیره‌ی آن حضرت

درباره سیره اقتصادی امام علی^(ع) باید گفت آن حضرت به خاندان بنی‌هاشم تعلق دارد که طی سالیان متمادی، از فعالان تجاری و بازرگانی شبه‌جزیره عربستان بوده‌اند (ابن‌هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۳۶) و به همین علت، امام علی^(ع) از دوران جوانی، با مسائل اقتصادی و تجاری به‌خوبی آشنا شده است.

امام علی^(ع) اولین مرد مسلمان (ابن‌شهاب زهری، ۱۴۰۰، ص ۴۶)، اولین کاتب وحی (ابن‌سعد، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۴۰)، قهرمان لیل‌المیثت (حاکم حسکانی، ۱۹۹۱، ج ۱، ص ۹۷) و سرباز و شاگرد همیشه همراه پیامبر^(ص)، در دوران حکومت ده‌ساله‌ی رسول خدا^(ص) در مدینه، از نزدیک با روند تصمیم‌گیری‌ها و مباحث مطرح اقتصادی آن دوره آشنایی کامل داشته است. امام علی^(ع) ازجمله شخصیت‌های دانشمند تاریخ صدر اسلام است که به‌خوبی بر مسائل فقهی و شرعی تسلط داشته (ابن‌بابویه، ۱۳۸۸، ص ۳۴۳) و به همین سبب، به‌خوبی توانسته است مسائل شرعی را در حوزه اقتصاد تشریح کند. امام علی^(ع) در سال‌های ۳۵ الی ۴۰ هجری، عنوان خلافت اسلامی را عهده‌دار بوده و بر مسائل اقتصادی جامعه اسلامی اشراف داشته و مباحث و موضوعات مختلفی را در عرصه‌های تولید، توزیع و مصرف در سخنان و نامه‌های خود مطرح کرده است.

با توجه به مطالب یادشده، مؤلفه‌هایی نابی در حوزه‌ی تربیت اقتصادی به شرح ذیل در سیره‌ی امام علی^(ع) قابل‌بیان است:

۱- توکل به خدا

امام علی^(ع) توکل را یکی از ارکان چهارگانه ایمان عنوان کرده است (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۱۸۱؛ مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۷۸، ص ۳۴۷) و تأکید دارد «کسی که بر خدا توکل کند، خدا او را کفایت» (شریف رضی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۵) می‌کند و «دشواری‌ها برای او آسان» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۹۱، ص ۲۲۹) می‌شود. همچنین امام علی^(ع) تأکید دارد که قرار گرفتن افراد در حریم امن و استوار الهی، موجب ارتقاء جایگاه

اجتماعی افراد در جامعه خواهد شد و اقتدار و شوکت آنان را به دنبال خواهد داشت، چنانکه می‌فرماید: «یک ویژگی است که هر کس به آن عمل کند، قوی‌ترین مردم خواهد شد». از آن حضرت پرسیده شد که آن ویژگی چیست. امام^(ع) فرمودند: «توکل به خدای متعال» (نوری، ۱۴۱۸، ج ۱۱، ص ۲۲۰).

توکل مدنظر امام^(ع)، به معنای گوشه‌نشینی و تن به کار ندادن نیست، بلکه آنچه از سیره‌ی نظری و عملی امام^(ع) قابل‌برداشت است امام^(ع) به توکل و واگذاری امور به خداوند، همراه با کار و تلاش افراد توصیه دارد. روایت شده است که امام^(ع) گروهی را دید که کار را رها کرده و در گوشه‌ی مسجد نشستند. امام^(ع) فرمود: «شما چه کسانی هستید؟» گفتند: «ما متوکل هستیم». امام^(ع) فرمود: «نه بلکه شما متاکل هستید؛ یعنی سربار اجتماع هستید. امام^(ع) سپس فرمود: «نشانه‌ی توکل شما چیست؟» گفتند: «هرگاه چیزی بیابیم، می‌خوریم و هنگامی که چیزی نداشتیم، صبر می‌کنیم». امام^(ع) فرمود: «سگ‌ها نیز چنین می‌کنند.» گفتند: «پس چه کنیم؟» فرمود: «همانند ما رفتار کنید.» گفتند: «شما چگونه عمل می‌کنید؟» امام^(ع) فرمود: «هنگامی که چیزی را به دست آوریم، در راه خدا می‌بخشیم و هنگامی که چیزی نداریم، خدا را شکر می‌کنیم» (طبرسی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۲۸۸).

حاصل تحقق توکل مدنظر امام^(ع)، امید و قدرت را برای افراد به همراه دارد. هنگامی که این مهم با انگیزه، تلاش، جدیت، استقامت و پایداری شخص آمیخته شود، به موفقیت، ارتقاء و پیروزی منجر خواهد شد.

۲- رعایت انصاف

انصاف به معنای «عدالت‌ورزی و رفتار درست و مطابق با عدالت» (طبرسی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۹۳) است که بر «رعایت مساوات در رفتار با دیگران» (نراقی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۲۴۱) تأکید دارد. امام^(ع) با بیان اینکه «انصاف از برترین ارزش‌هاست» (آمدی تمیمی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۰۳) و «هر کس با مردم به انصاف رفتار کند، خداوند بر عزتش خواهد افزود» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۷۲، ص ۳۳)، همه‌ی مسلمانان را در حوزه‌ی فعالیت‌های شخصی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به رعایت انصاف رهنمون کرده است.

معنای درست و دقیق انصاف در این سفارش امام^(ع)، خطاب به یکی از فرزندانش تبلور یافته که فرموده است: «آنچه را که برای خود خواهانی و دوست داری، برای دیگران نیز دوست بدار و آنچه برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران نیز نخواه و همچنان که دوست نداری بر تو ستم کنند، خود نیز بر کسان دیگر ستم نکن» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۱).

احتکار از جمله مصادیق رعایت نکردن انصاف است که امام^(ع) بنا به دلایل ذیل از آن نهی کرده است:

- امام^(ع) معتقد است احتکار از «خصلت‌های مردم جاهلی» (آمدی تمیمی، ۱۳۳۷، ج ۲، ص ۳۰۴) به‌شمار می‌آید و هیچ تناسبی با سبک زندگی اسلامی ندارد.
- از دیدگاه امام^(ع)، احتکار به سبب اینکه هزینه‌های سرسام‌آوری را بر عموم مردم تحمیل می‌کند، موجب «ضرر رساندن به مردم» (شریف رضی، ۱۳۷۹، ص ۴۱۵) است.

- احتکار چون نگرانی و رنج افراد اجتماع را به دنبال دارد، از نظر امام^(ع) نوعی «رذیلت (پستی)» (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۶۲۷) است که از «عاطفه و انسانیت» (آمدی تیمی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۱۰) هم به دور است.

- امام^(ع) با آگاهی از اینکه احتکار تبعاتی همچون تشویش اذهان عمومی و سوءاستفاده‌ی افراد و گروه‌های مختلف را به دنبال دارد، آن را «عامل محرومیت (بحران)» (نعمان مغربی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۵) در جامعه عنوان کرده است.

در مقام عمل، امام^(ع) به شدت با احتکار مقابله کرد و از جمله هنگام حضور در کوفه دستور داد کُپه‌ی غله‌ی احتکار شده‌ی یکی از تجار را در کنار رود فرات (متقی هندی، ۱۴۱۹ ق، ج ۴، ص ۱۸۲) را بسوزانند. همچنین امام^(ع) هنگام اعزام مالک اشتر به مصر، به وی دستور داد که از احتکار جلوگیری کند و عاملین آن را به شدت مجازات نماید (شریف رضی، ۱۳۷۹، ص ۵۸۳).

قسم دروغ از رفتارهای زشتی است که برای بالا بردن ارزش کالاها، خدمات و متقاعد کردن طرف مقابل به مرادده انجام می‌گیرد که از انصاف به دور است و امام^(ع) بنا به علل ذیل، مسلمانان را از انجام آن بر حذر داشته است:

- هرچند ممکن است قسم دروغ سبب فروش کالا و خدمات شود؛ اما «برکت آن مال را از بین خواهد برد» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۱۶۲؛ ثقفی، ۱۳۷۳، ص ۶۵) و درنهایت، به ضرر فروشنده تمام خواهد شد.

- بنا بر نظر امام^(ع)، «خداوند عزوجل کسی را که قسم دروغ بخورد، منزّه نخواهد کرد» (نعمان مغربی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۳۸)؛ زیرا قسم دروغ، حق‌الله و حق‌الناس را به دنبال دارد.

- امام^(ع) بهترین راهکار برای ممانعت از قسم دروغ را التزام بازاریان و فروشندگان به تقوا عنوان می‌کند و می‌فرماید: «باید از خدا بترسند (تقوا پیشه کنند) و از قسم خوردن در معامله پرهیز نمایند» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۱۵۳).

ربا از جمله مسائلی است که کسب روزی حلال در حوزه‌ی فعالیت‌های اقتصادی را تهدید می‌کند و از انصاف به دور است و در اسلام از گرفتن و دادن آن نهی شده است: «فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره، ۲۷۹)؛ پس اگر ربا را ترک نکردید، آگاه باشید که به جنگ خدا و رسول او برخاسته‌اید و اگر از این کار پشیمان شدید، اصل مال برای شماست که در این صورت به کسی ستم نکرده‌اید و از کسی ستم نکشیده‌اید. این آیه، به صورت شفاف و صریح تأکید دارد که رباخواری و هرگونه فعالیت در این حوزه، گناه کبیره و به معنای اعلام جنگ علیه خدا و پیامبر^(ص) است؛ لذا مسلمانان باید به هیچ‌عنوان به این مسئله ورود نکنند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۳۷۷).

رویکرد امام^(ع) در موضوع ربا، راهبردی و بر پیشگیری از وقوع آن استوار است. امام^(ع) با بیان اینکه ربا «به‌آرامی در میان مردم راه می‌یابد و حرکت آن از راه رفتن مورچه بر روی سنگ سیاه مخفی‌تر است» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۲، ص ۲۸۲) و همه‌ی عوامل دخیل آن گناهکار هستند و هیچ استثنایی برای هیچ‌کس با هر مقام و جایگاهی نمی‌توان قائل شد و پرده‌پوشی هم فایده‌ای ندارد،

تأکید دارد افراد پیش از انجام هرگونه فعالیت اقتصادی، باید احکام فقهی مربوطه به کار خود را یاد بگیرند و سپس فعالیت مدنظر را آغاز کنند، چنانکه می‌فرماید: «کسی که بدون آموزش فقه اسلامی تجارت کند، به ربا آلوده می‌شود» (شریف رضی، ۱۳۷۹، ص ۷۳۹).

امام^(ع) علاوه بر فعالان اقتصادی، کارگزاران حکومتی، مأموران مالیاتی، کارکنان و مسئولان دولتی را در تعامل و برخورد با آحاد مردم و فعالان اقتصادی به رعایت انصاف دعوت کرده است و خطاب به یکی از کارگزارانش می‌فرماید: «به تو فرمان می‌دهم که خراج زمین‌ها را با حق و انصاف جمع‌آوری کنی و از آنچه برای تو معین کرده‌ام، تجاوز نکنی و کمتر از آن نیز جمع‌نمایی و چیزی به نظر خود در آن کم‌وزیاد نکنی» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۲۸، ص ۸۸).

امام^(ع) حیطه‌ی مسئولیت‌پذیری کارگزاران حکومتی را بسیار گسترده تعیین کرده و از کارگزاران خود خواسته است که نسبت به کلیه‌ی کارها، اقدامات، روابط و مناسبات خود مسئولیت‌پذیر باشند تا از دایره‌ی انصاف خارج نشوند، چنانکه فرموده است: «از خدا بترسید در حق بندگان و شهرهایش؛ زیرا شما مسئولید، حتی در برابر سرزمین‌ها و چارپایان» (شریف رضی، ۱۳۷۹، ص ۳۲۱). امام^(ع) به کارگزاران و مأمورین حکومتی نهیب زده است که اگر با مردم به انصاف رفتار نکنند، دشمنی خدا را برای خود خواهند خرید، چنانکه خطاب به یکی از کارگزاران خود نوشته است: «با خدا و بندگان خدا به انصاف رفتار کن و نگذار از طرف خود و نزدیکانت به مردم ظلم شود و اگر به انصاف رفتار نکنی، ستمکار خواهی بود و بدان که خدا دشمن ظالمین به مردم است» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۷۴، ص ۲۴۴).

اهتمام به انصاف و پیروی از سیره‌ی امام علی^(ع) در حوزه‌ی فعالیت‌های بخش خصوصی و بازار، اگر به‌صورت درست و دقیق رعایت شود، شفافیت فعالیت‌های اقتصادی، کسب روزی حلال، حفظ حدود الهی، احترام متقابل افراد نسبت به همدیگر، رعایت قانون و حفظ منافع عمومی را به همراه دارد؛ همچنین اگر این اصل در نظام حکومتی و اداری رعایت شود و کارگزاران و کارکنان در برخورد با مردم به انصاف رفتار کنند، ضمن جلوگیری از شکل‌گیری هرگونه رانت‌خواری، امتیازطلبی، رشوه‌خواری، دور زدن قانون و تبانی، زمینه‌ی توسعه‌ی شفاف فعالیت‌های اقتصادی را فراهم می‌آورد که به بخش اداری و حکومتی ارتباط دارد و با حل مشکلات مردم در اسرع وقت، زمینه‌ساز رضایت‌مندی آنان می‌شود.

۳- التزام در کسب روزی حلال

ازجمله شاخصه‌های اصلی اسلام که در آیات و روایات بر آن تأکید شده، کسب روزی حلال است که هیچ‌گونه مسامحه و استثنایی در این زمینه نمی‌تواند قائل شد. امام^(ع) با این تعبیر که «طلب-کننده‌ی روزی حلال، همانند جهادکننده در راه خدا است» (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۱۴۲؛ نعمان مغربی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۵) و «از نشانه‌های پرهیزکاران، جست‌وجوی کسب حلال است» (شریف رضی، ۱۳۷۹، خطبه ۱۹۳)، بر کسب روزی حلال تأکید کرده است.

۴- رعایت الگوی مصرف

از نگاه امام^(ع)، شیوهی زندگی مؤمنان باید مبتنی بر میانه‌روی باشد که این موضوع، حوزهی مصرف را هم در برمی‌گیرد و بدین منظور، خطاب به یکی از پسرانش سفارش کرده است: «ای پسر! در معیشت و عبادت میانه‌رو باش» (مفید، ۱۳۶۴، ص ۲۲۲). امام^(ع) نشانه‌های اسراف را زیاده‌روی در خوردن، خریدن و پوشیدن می‌داند (شریف‌رضی، ۱۳۷۹، ص ۴۵۳) و تأکید دارد «هرکه از این حد (اعتدال و میانه‌روی) فراتر رود، آنچه از مال بخورد یا بنوشد و یا بپوشد، حرام است» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۱۰۳، ص ۱۶). از نگاه امام^(ع)، این شیوه شامل جزئی‌ترین مسائل هم می‌شود و بدین منظور، حتی از کارگزاران و کارکنان حکومتی می‌خواهد در نوشتن نامه‌ها، از اسراف در مصرف جوهر و کاغذ خودداری کنند (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۷، ص ۴۰۴).

علی‌رغم اینکه اقتصاد بر سه اصل تولید، توزیع و مصرف استوار است؛ اما به سبب اینکه ادامه‌ی زندگی انسان‌ها بر اصل مصرف بنا شده؛ لذا هدف نهایی در تولید و توزیع، همان مصرف است. بدین علت، پیروی از سیره‌ی امام^(ع) درباره‌ی رعایت الگوی مصرف، با محور میانه‌روی در مصرف و التزام به ممانعت از هرگونه اسراف حتی در جزئی‌ترین، کوچک‌ترین و کم‌ارزش‌ترین موارد، موجب تقویت بنیان‌های اقتصادی جامعه، افزایش ثروت، خوداتکایی و کاهش مشکلات اقتصادی آن جامعه می‌شود.

۵- خوش‌خلقی

فعالیت‌های افراد در سه عرصه‌ی تولید، توزیع و مصرف و در بخش‌های دولتی و خصوصی، مستلزم تعامل و مواجهه افراد با یکدیگر است و بدین منظور، امام^(ع) بنا به علل ذیل، بر خوش‌خلقی در حوزه‌ی فعالیت‌های اقتصادی تأکید دارد:

- از نگاه امام^(ع)، خوش‌خلقی در حوزه‌ی فعالیت‌های اقتصادی، موجب «فراوانی نعمت‌های الهی» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۸، ص ۲۳؛ لیشی واسطی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۲۸) می‌شود.

- به سبب اینکه خوش‌خویی موجب رضایتمندی مردم است، «خیر دنیا و آخرت» (آمدی تمیمی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۴۵۰) را برای افراد به همراه خواهد داشت.

- به علت اینکه خوش‌خلقی مایه‌ی رضایت مردمان است و خشنودی خداوند را نیز به همراه دارد، زمینه‌ساز «قرب الهی» (فتال نیشابوری، ۱۴۲۳، ص ۳۷۷؛ ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۸۲، ص ۹۸) است که از جمله کمالات انسانی و اهداف اصلی دین اسلام است.

همچنین، امام^(ع) کارگزاران حکومتی و مأموران مالیاتی را به خوش‌خویی در برابر مردمان و مؤدیان سفارش کرده است (شریف‌رضی، ۱۳۷۹، ص ۳۶۱). چنانکه به یکی از آنان سفارش کرده است: «مبادا که مسلمان، یهودی یا نصرانی را برای دریافت درهم خراجی بزنی یا حیوانات آنان را بفروشی. این را بدان که به ما دستور داده‌شده که از آنان، فقط اضافی اموالشان را طلب بستانیم» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۴۱، ص ۱۲۸؛ حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۹۰).

سفارش‌های امام^(ع) در این زمینه، مانع هرگونه بداخلاقی، ترش‌رویی، درشت‌گویی، عصبانیت و

تنش میان فعالان اقتصادی، تولیدکنندگان، فروشندگان و مشتریان می‌شود و محیط سالم و امنی را برای هرگونه فعالیت اقتصادی فراهم می‌کند. همچنین التزام به این امر در بخش اداری و حکومتی، احترام متقابل را میان ارباب رجوع و مسئولین اداری و حکومتی به همراه دارد که در نهایت، موجب رضایتمندی مردم و خشنودی خداوند متعال خواهد شد.

۶- امانت‌داری

اهمیت امانت‌داری از دیدگاه امام علی^(ع) تا آنجاست که حضرت، یکی از ملاک‌های سنجش شایستگی و خلوص مسلمانان را امانت‌داری آنان عنوان کرده و فرموده است: «به فراوانی نماز و روزه و کثرت حج و انفاق به مردم و صدای ایشان در شبانگاهان ننگرید، بلکه آنان را به راست‌گویی و امانت‌داری ارزیابی کنید» (همان، ج ۱۳، ص ۳۲۰).

از دیدگاه امام^(ع) مقام، مسئولیت، بیت‌المال، جمع‌آوری مالیات‌ها و اموال دولتی همگی امانت الهی به‌شمار می‌آید و مسلمانان باید به حفاظت و نگهداری آنها التزام داشته باشند که در این صورت، «خیر دنیا و آخرت» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۷۵، ص ۸۱) نصیب آنان می‌شود؛ اما اگر امانت‌داری نکند و مرتکب خیانت شوند، «درهای خواری در دنیا به روی خود می‌کشایند و در قیامت رسوا خواهند شد» (شریف رضی، ۱۳۷۹، ص ۳۶۳).

بدین منظور، امام^(ع) سمت‌های حکومتی را امانت الهی عنوان کرده و در نامه‌ای به اشعث بن قیس فرماندار آذربایجان نوشته است: «همانا پست فرمانداری برای تو وسیله‌ی آب و نان نیست، بلکه امانتی در گردن تو است» (همان، ص ۳۴۵).

یک‌بار هنگام تقسیم اموال بیت‌المال از سوی امام^(ع) میان مردم، برده‌ی پیری نزد حضرت آمد و تقاضای کمک از اموال بیت‌المال را کرد. امام^(ع) خطاب به وی فرمود: «به خدا سوگند که این اموال نه دسترنج و نه میراث پدرم است، بلکه امانتی است که به من سپرده شده تا آن را به اهلش برسانم» (نعمان مغربی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۱۰). با این رویکرد، امام^(ع) در تقسیم بیت‌المال هیچ سهمی را برای خود و خویشاوندانش در نظر نمی‌گرفت (ثقفی، ۱۳۷۳، ص ۴۶؛ ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۲۱۰) و به دو فرزندش حسن و حسین^(ع) هم چیزی بیش از حشاش نمی‌داد (ابن‌طقطقی، ۱۳۶۰، ص ۱۱۵).

همچنین امام^(ع) با حساسیت مواظب بود که اقوام و نزدیکانش از بیت‌المال سوءاستفاده نکنند و به این سبب، یکی از دخترانش را سرزنش کرد که گردنبندی از بیت‌المال به امانت گرفته بود تا در روز عید به گرد آویزد و علی بن‌رافع خزانه‌دار کوفه را توییح کرد که گردنبند را با ضمانت به دختر حضرت امانت‌داده بود (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۴۱، ص ۳۳۷). هنگامی که دختر امام^(ع) ابراز ناراحتی کرد، آن حضرت فرمود: «ای دختر علی! هوای نفس تو را از حق دور نگرداند. آیا به نظر تو تمام زنان مهاجرین چنین موقعیتی دارند و می‌توانند این‌گونه از اموال بیت‌المال استفاده کنند» (ابن‌شهر آشوب، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۰۸).

با دقت و تأمل در سیره‌ی نظری و عملی امام^(ع) درباره‌ی امانت‌داری، می‌توان مبنای ارزشمندی را برای تربیت اقتصادی به شرح ذیل استنتاج کرد:

- امانت‌داری اصل محوری برای ارزیابی افراد جامعه، برای برقراری هرگونه ارتباط، مشارکت و مراوده‌ی اقتصادی است.

- التزام به امانت‌داری مدنظر امام^(ع)، خیر دنیا و آخرت را برای افراد به همراه دارد؛ اما هرگونه کوتاهی، بی‌مبالاتی و بی‌توجهی در این زمینه، موجب رسوایی در دنیا و خسران در آخرت خواهد شد.

- هر نوع مسئولیت حکومتی، دولتی و اداری، امانت الهی به‌شمار می‌آید که باید با رعایت قانون و با شایستگی، وظایف مربوطه را انجام داد و هیچ‌کس و با هیچ جایگاهی، حق هیچ‌گونه سوءاستفاده‌ای را ندارد.

- افراد با هر جایگاه و مقامی، موظف به حفظ و نگهداری تمام و کمال از اموال دولتی، وجوه مالی و امکانات حکومتی به‌عنوان بیت‌المال هستند.

- زمامداران جامعه چون در قانون توجه هستند، موظف به رعایت کامل امانت‌داری در همه‌ی سطوح هستند و هیچ‌گونه کوتاهی و اشتباه از آنان پذیرفتنی نیست.

- التزام در امانت‌داری مدنظر امام^(ع)، زمینه‌ی اعتماد، همراهی، همدلی و کارگروهی را میان افراد جامعه به وجود می‌آورد.

- از هرگونه خسارت و زیان، در هر قالب و عنوان، ممانعت به عمل می‌آید.

- رفتار ناب امام^(ع) در این زمینه، باب هرگونه تفسیر، شبهه‌پراکنی و بهانه‌تراشی را بسته است.

- سیره‌ی امام^(ع) در این زمینه، الگوی نابی برای فعالان اقتصادی، مسئولین، کارکنان و همه‌ی

افراد جامعه اسلامی است.

۷-اهتمام به کار و تلاش

کار، تنها به کارگری با کلنگ و بیل اختصاص ندارد، بلکه شامل «کارهای یدی و فکری، فعالیت‌های صنعتی، بهداشتی، کشاورزی، تجارت، نویسندگی، رانندگی، معماری، مهندسی، آموزگاری و کار اداری نیز می‌شود» (اشتهادی و عبدوس، ۱۳۹۱، ص ۳۰۷). بنا به نظر امام^(ع)، کار و تلاش علی‌رغم «سختی و توان‌فرسایی» (مفید، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۹۸)، فواید و مزایایی به شرح ذیل به همراه دارد: - انسان به‌واسطه کار و تلاش می‌تواند «جایگاه اجتماعی خود را ارتقاء دهد» (شریف‌رضی،

۱۳۷۹، ص ۴۵۷) و موقعیت اجتماعی بهتری را برای خود و خانواده‌اش کسب کند.

- انسان با اهتمام درباری کار و تلاش می‌تواند «رستگاری و سعادت خود در آخرت» (لیثی

واسطی، ۱۳۷۶: ج ۱، ص ۵۱۲) را تضمین کند.

- چون انسان بیهوده آفریده نشده و توان تغییر سرنوشت خود را دارد (شریف‌رضی، ۱۳۷۹، ص

۳۹۷)، به‌خوبی می‌تواند در ساختن زندگی مرفهی برای خود و خانواده‌اش و تلاش برای سعادت و

توسعه‌ی جامعه‌ای کوشا باشد که در آن زندگی می‌کند.

- کار و تلاش در تضاد با تنبلی و کاهلی قرار دارد که یکی از ریشه‌های اصلی فقر است و امام^(ع)

با تعبیری چون «مرگ بزرگ» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۹)، «دریچه‌ی نکبت» (مجلسی، ۱۳۶۳،

ج ۷۵، ص ۳۵۳)، «عامل پریشانی عقل» (شریف رضی، ۱۳۷۹، حکمت ۳۱۱) و «مایه‌ی نقصان دین» (همان، ص ۵۰۵) از آن یاد و اعلام بیزاری کرده است؛ لذا انسان باید در پرتو کار و تلاش، زندگی شکوفا، پویا و مرفهی را برای خود و خانواده‌اش فراهم کند تا با آرامش، به زندگی بپردازد و برای آخرت هم ره‌توشه‌ی مناسبی آماده کند.

- افراد علی‌رغم هر جایگاهی که ممکن است داشته باشند، بر اساس مسئولیتی که در برابر خانواده و جامعه دارند و بر حسب ضرورت و نیاز، باید به کار و تلاش هم اهتمام داشته باشند، چنانکه امام^(ع) در دوره‌ی رسالت رسول خدا^(ص)، علی‌رغم سابقه و جایگاهی که داشتند، برای درختان خرمای گروهی از یهودیان مدینه، با دستان خود آب می‌کشید تا حدی که دستانش تاول می‌زد (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۲).

- هیچ بهانه‌ای، مانع فاصله و دوری امام^(ع) از کار و تلاش نمی‌شد و بدین منظور، حتی هنگامی که به علت چشم‌درد، قادر به حضور در میدان نبود؛ اما هنگامی که اصحاب به جستجوی وی آمدند، او را مشاهده کردند که در همان حالت چشم‌درد، به آسیاب رفته و مشغول آسیاب کردن گندم است (ابن‌حنبل، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۸۵۰).

- امام^(ع) با بیان اینکه «هیچ سحرخیزی در راه خدا، برتر از سحرخیزی برای تأمین معاش فرزندان و خانواده نیست» (ابن‌ابی‌جمهور ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۱۴۲؛ نعمان مغربی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۵)، تأکید دارد که «صبح زود در پی روزی رفتن، روزی را افزون» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۵، ص ۳۴۸) خواهد کرد. - در تاریخ اسلام از آغاز تاکنون، برخی از شخصیت‌ها به بهانه‌ی نیایش و عبادت، به انزوا و گوشه‌گیری صوفیانه روی می‌آوردند که موجب آزار و اذیت خانواده‌ها و اطرافیان آنان می‌شود، امام^(ع) ضمن مخالفت با این تفکر، به شدت از آن نهی کرده است (شریف رضی، ۱۳۷۹، ص ۳۰۷).

۸-اهتمام در سازندگی و آبادانی

سازندگی و آبادانی نقشی تعیین‌کننده در توسعه‌ی اقتصادی دارد و در مبانی دینی هم بر این امر تأکید شده است، چنانکه خداوند یکی از وظایف انسان‌ها در زمین را آبادانی آن عنوان کرده است: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود، ۶۱)؛ او شما را از زمین آفرید و آبادانی آن را از شما خواسته است. خداوند در این آیه، ضمن تأکید بر اینکه افراد جامعه درباره‌ی بقا و هستی خود، تنها به خداوند قادر متعال محتاج هستند و نه کس دیگری، انسان‌ها را مأمور آبادانی زمین و استفاده از فواید و ثمرات آن کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۴۶۲).

امام^(ع) یکی از راه‌های تأمین معاش را استفاده از ثمرات و محصولات زمین (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۹، ص ۳۵) عنوان کرده است که از طریق عمران و آبادانی به دست می‌آید و تأکید دارد مردمانی که علی‌رغم دارا بودن زمین و آب، فقیر باشند، «از رحمت الهی به دور» (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۱۱۵) خواهند بود.

امام^(ع) بر بهره‌برداری حداکثری، درست و عاقلانه از منابع خدادادی برای فراهم ساختن زندگی آبرومندانه‌ای توسط افراد تأکید دارد و در این باره می‌فرماید: «هر نعمتی که خدا به تو داده است، خوب

نگهداری (بهره‌برداری) کن و هیچ نعمتی از نعمت‌های خدا را که ارزانی توست، ضایع مگذار و باید اثر نعمتی که خداوند به تو عطا کرده است، در تو دیده شود» (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۴۰).

همچنین امام^(ع) پس از اینکه به‌عنوان خلافت دست یافت، تلاش زیادی برای سامان‌بخشی، عمران و آبادی جامعه انجام داد و آن را از جمله وظایف اصلی حاکمان و کارگزاران جامعه عنوان کرده و سفارش نموده که کارگزارانش باید به آبادانی بیش از جمع‌آوری خراج اهمیت دهند؛ لذا خطاب به مالک اشتر فرموده است:

در آبادی زمین بیش از کوشش در گردآوری خراج باشد؛ زیرا خراج جز با آبادانی به دست نمی‌آید و آن‌کس که بخواهد مالیات را بدون عمران و آبادانی بطلبد، شهرها را خراب و بندگان خدا را نابود می‌کند و حکومتش بیش از مدت کوتاهی دوام نخواهد داشت (شریف رضی، ۱۳۷۹، ص ۴۰۳).

از کلام امام علی^(ع) پیداست حکومت باید بستر مناسب را برای توسعه‌ی فعالیت‌های اقتصادی و عمرانی مردم فراهم آورد و سپس به موضوع مالیات و گرفتن خراج بپردازد. امام معتقد است اگر حکومت در حوزه‌ی اقتصادی، عمرانی و آبادسازی منفعل عمل کند، زمینه‌ی ویرانی، فقر، ظلم، فساد و تباهی را فراهم می‌آورد که در آن صورت، جامعه پسرفت می‌کند و زمینه‌ی پایمال کردن حقوق مردم و تضعیف آنان فراهم می‌شود و درنهایت، موجب نارضایتی مردم خواهد شد.

امام^(ع) از جمله شخصیت‌هایی است که علاوه بر رهنمون کردن دیگران به سازندگی و آبادانی، شخصاً نیز به عمران و آبادانی پرداخته است. عمده‌ی فعالیت‌های اقتصادی امام^(ع)، طی سال‌های ۲۵ الی ۳۵ هجری در منطقه‌ی یَبُوع (ابن شهرآشوب، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۳۲) انجام گرفته است که در ساحل دریای سرخ است و به سبب چشمه‌های فراوان به این نام شهرت یافته بود (یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۶۵۸).

یکی از چشمه‌های معروف منطقه‌ی یَبُوع که به دست امام^(ع) حفر شد، «عین ابی‌نیزر» نام داشت (سمهودی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۲۷). خود ابی‌نیزر از غلامان امام^(ع) که حضرت این چشمه را به نام وی نام‌گذاری کرده بودند، در تشریح نحوه‌ی حفر این چشمه از سوی امام^(ع) روایت کرده است: من در دو زمین زراعی علی‌بن ابی‌طالب^(ع) به نام‌های «عین ابی‌نیزر» و «بُعْبِغَه» مشغول کار بودم که یک‌بار امام^(ع) به آنجا آمدند و کلنگ را برداشتند و به درون چاه رفتند و مشغول کندن شدند و پیوسته کلنگ می‌زدند تا اینکه به ناگاه آب فوران کرد (مُبرد، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۱۲۷).

۹- حفظ منافع جامعه

امام^(ع) در تمام دوران زندگی خود، مسلمانان را به اتحاد و باهم بودن (شریف رضی، ۱۳۷۹، ص ۲۸۱)، تعاون و همیاری همدیگر (همان، ص ۲۲۹) و حفظ منافع اجتماع و سودرسانی به دیگران (آمدی تمیمی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۹) فراخوانده است. بنا به همین باور، امام^(ع) پس از رحلت رسول خدا^(ص) و در دوره‌ی خلفای نخستین، علی‌رغم اختلافی که با جناح حاکم داشتند، برای حفظ منافع امت اسلامی، به‌عنوان مشاور پیشنهادهای نوآورانه‌ای همچون تعیین تکلیف خراج زمین‌های سواد عراق (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۹) و تعیین مبدأ تاریخ اسلام (بیرونی، ۱۹۲۳، ص ۳۰) را به خلفا ارائه کرد که در تحولات اقتصادی صدر اسلام اهمیت محوری داشته است.

همچنین فعالیت‌های مختلف عمرانی امام^(ع) بدین منظور بوده است، چنانکه زمین‌هایی را در وادی القری، وادی ترعه و وادی اذنیه با دست خود آباد و وقف می‌کرد (ابن‌شبه مُمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۳۵) تا اقشار مختلف مردم از منافع آن بهره‌مند شوند. التزام به این نوع رفتار، باعث افزایش بهره‌وری، افزایش اعتماد میان افراد جامعه، رعایت منافع دیگران، مشارکت بیشتر افراد، مسئولیت‌پذیری، افزایش ثروت ملی و کمک به اجرای سیاست‌های حکومتی می‌شود.

۱۰- برنامه‌ریزی

امام علی^(ع) با درک اهمیت زمان و با بیان اینکه «زمان و فرصت همچون ابر در حال گذر است» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۸۷)، به فرآیند برنامه‌ریزی برای مدیریت زمان و هدفمند کردن امور اهمیت می‌دهد و «دوران‌دیشی» (شریف رضی، ۱۳۷۹، ص ۶۳۵) را از جمله رموز موفقیت در زندگی عنوان می‌کند و تأکید دارد در «دنیاپی که تدبیر نباشد خیری» (البرقی، ۱۳۷۰، ص ۵) نخواهد بود. امام^(ع) لازمه‌ی دستیابی انسان به زندگانی مُرفه برای خود و خانواده‌اش را برنامه‌ریزی درست و دقیق می‌داند و می‌فرماید: «برنامه‌ریزی صحیح اقتصادی، مال اندک را افزایش می‌دهد و برنامه‌ریزی غلط، مال فراوان را نابود می‌کند» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۷۰، ص ۳۰۷).

۱۱- التزام در ارائه‌ی کار با کیفیت

امام^(ع) بر انجام کار با کیفیت مطلوب، همراه با دقت و پرهیز از هرگونه شتاب‌زدگی تأکید دارد و به این علت فرموده است: «به دنبال سرعت انجام کار مباش، بلکه در پی کیفیت باش! به‌درستی که مردم نمی‌پرسند که در چند روز به انجام رسیده است، بلکه از خوب بودن و صحیح بودن کار می‌پرسند» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۶۳، ج ۷، ص ۲۶۷).

۱۲- التزام به قانون

امام علی^(ع) در تمام دوران زندگانی خود، به قانون التزام داشت و اگر کسانی از وی می‌خواستند برای حفظ جایگاه خود، از قانون عدول کنند، ضمن رد درخواست آنان، با جدیت می‌فرمود: «سوگند به خدا! اگر شب را بر روی خارهای سعدان بیدار به سر برم و یا در غل‌ها و زنجیرها بسته و کشیده شوم، برایم محبوب‌تر است از اینکه خدا و رسولش را روز قیامت در حالی ملاقات کنم که به برخی از بندگان ستم و چیزی از اموال دنیا را غصب کرده باشم» (شریف رضی، ۱۳۷۹، ص ۳۲۷) امام^(ع) به‌عنوان حاکم اسلامی تأکید داشت که میان او سایر اقشار مردم و از جمله اقلیت‌ها، دربارهی رعایت قوانین فرقی وجود ندارد و اگر اختلافی پیش آمد، باید در دادگاه اسلامی، با مردم عادی و حاکم به‌صورت مشابه و قانونی رفتار شود و حقوق مردم پایمال نگردد. هنگامی که امام^(ع) زره خویش را نزد مردی نصرانی یافت. آن مرد از دادن زره به امام^(ع) ابا کرد. امام^(ع) او را نزد شریح قاضی کوفه برد تا اقامه‌ی دعوا کند. امام^(ع) گفت: این زره از آن من است. نه آن را به او فروخته‌ام و نه به او بخشیده‌ام. شریح به نصرانی گفت: امیرالمؤمنین چه می‌گوید؟ نصرانی گفت: نه، زره، زره

من است. شریح رو به امام^(ع) کرد و گفت: یا امیرالمؤمنین! آیا بر ادعای خود شاهد و دلیلی داری؟ امام^(ع) گفت: نه. شریح به سود آن نصرانی رأی داد (ثقفی، ۱۳۷۳، ص ۴۷). امام^(ع) اعتراضی نکرد و به رأی دادگاه تمکین نمود.

فعالیت‌های پیدا و پنهان فرزندان، برادران، همسران و اقوام حاکمان و کارگزاران از جمله عوامل اصلی است که قانون‌گرایی را تهدید می‌کند که با استفاده از اطلاعات محرمانه و دور زدن قانون، زمینه‌ی حیف و میل اموال عمومی و توسعه فساد را فراهم می‌آورند. بنا به نظر امام علی (ع)، باید با قاطعیت و بدون مسامحه، «ریشه‌ی ستمکاری» اینان را برید و آنان را از حضور یافتن در معاملات دولتی، واگذاری زمین‌ها و انعقاد قراردادهای حکومتی منع کرد (شریف رضی، ۱۳۷۹، ص ۴۱۷) تا هرگونه امکان فرصت برای آنان فراهم نشود و سایر اقشار مردم، با اعتماد و دلگرمی، در فعالیت‌های اقتصادی مشارکت کنند. بدین منظور، امام^(ع) در دوران حکومت خود، هیچ امتیاز فراقانونی را برای خانواده خود در نظر نگرفت و با آنان همچون سایر مردم رفتار می‌کرد؛ برای نمونه، هنگامی که عقیل، برادر امام^(ع)، از ایشان درخواست کرد از بیت‌المال کمکی به او اختصاص دهد، امام^(ع) آهنی گذاخته به دستش نزدیک کرد که عقیل ناله سر داد. امام^(ع) خطاب به وی فرمود: «ای عقیل! نوحه‌گران در عزایت بگیرند، آیا از حرارت آهنی می‌نالی که انسانی به بازیچه گذاخته است و مرا از آتشی که خداوند جبار به خشم خود فروخته است، بیمی نباشد؟» (همان، ص ۳۲۹). التزام به قانون منطبق بر سیره‌ی امام^(ع)، باب هرگونه رانت‌خواری، تبانی، سوءاستفاده، انحصارطلبی، تخلف و خسارت به بیت‌المال را خواهد بست و به دولت کمک خواهد کرد که عدالت اجتماعی را برقرار کند و چون رضایتمندی مردمان را به همراه خواهد داشت، باعث همگرایی اجتماع و درنهایت، تحقق توسعه‌ی اقتصادی خواهد شد.

نتیجه‌گیری

در سیره‌ی اقتصادی امام علی^(ع)، به‌عنوان تجلی اسلام ناب، دوازده مؤلفه‌ی ناب درباره‌ی تربیت اقتصادی، به‌عنوان یکی از پیش‌زمینه‌های اصلی تحقق توسعه‌ی پایدار که در عرصه‌های تولید، توزیع و مصرف عمومیت دارد، شامل توکل به خدا، رعایت انصاف، التزام در کسب روزی حلال، رعایت الگوی مصرف، خوش‌خلقی، امانت‌داری، اهتمام به کار و تلاش، اهتمام در سازندگی و آبادانی، حفظ منافع جامعه، برنامه‌ریزی، التزام در ارائه‌ی کار با کیفیت و التزام به قانون وجود دارد. وجه بارز این آموزه‌ها، کاربردی بودن آنهاست که به‌سادگی و در کوتاه‌ترین زمان، قابلیت انتقال به افراد جامعه را دارند که اگر به‌درستی این روند انجام گیرد، ضمن اینکه تأثیر ماندگاری بر ذهن یادگیرنده به‌جا خواهد گذاشت، زمینه‌ی بروز رفتارهای مطلوب اقتصادی در افراد را به وجود خواهند آورد و شخص باعلاقه و بر اساس مؤلفه‌های موجود، رفتارهای نامطلوب اقتصادی را که با استانداردهای موجود همخوانی ندارند، در سریع‌ترین زمان کنار خواهد گذاشت. همچنین تحت تأثیر این آموزه‌ها، زمینه‌ی ارتقاء سطح سواد مالی افراد جامعه، ایجاد توازن میان توقعات و انتظارات فرد و واقعیات جامعه، تصمیم‌گیری درست، استدلال منطقی، افزایش بهره‌وری، بهبود

کیفیت زندگی، التزام افراد در حفظ منافع جامعه و مشارکت در توسعه اقتصادی جامعه، تلاش برای ریشه‌کنی فقر، بهره‌برداری حداکثری و عاقلانه از منابع طبیعی و تنظیم درست روابط فرد با افراد اجتماع و دولت فراهم می‌شود که در صورت تحقق این موارد، بخش زیادی از ایرادات و اشکالات اقتصادی جامعه ما از میان می‌رود و اقتصادی شکوفا و پویا و مبتنی بر مساوات به وجود خواهد آمد.

در پایان، پیشنهادهایی به شرح ذیل تقدیم خوانندگان می‌شود:

- ۱- تصمیم‌گیران اصلی جامعه‌ی ما، بر حسب جایگاه و وظیفه‌ای که دارند، برای طرح و تبیین اهمیت این موضوع در سطح جامعه و به‌ویژه به استناد منابع اصیل اسلامی همچون سیره‌ی اهل‌بیت^(ع) اهتمام جدی داشته باشند.
- ۲- موضوع تربیت اقتصادی، بر اساس سیره‌ی اهل‌بیت^(ع) و ازجمله سیره‌ی امام علی^(ع)، با استفاده از سبک‌های مختلف و متنوع، در کتاب‌های درسی دانش‌آموزان و دانشجویان گنجانده شود.
- ۳- صداوسیما در برنامه‌های مختلف و متنوع و ازجمله در برنامه‌های مربوط به کودکان، نوجوانان و جوانان، به این موضوع پردازد تا این موضوع در اذهان یادگیرندگان ماندگار باشد.
- ۴- روحانیون، اساتید دانشگاه، نخبگان، صاحب‌نظران، مؤلفان و مراجع فکری برای ترویج اهمیت و مؤلفه‌های این موضوع در سطوح مختلف جامعه تلاش کنند.

منابع

- قرآن کریم ترجمه‌ی الهی قمشه‌ای.
- آقا جمال خوانساری، محمدبن حسین؛ شرح بر غررالحکم و دررالکلم؛ تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ ش.
- آمدی قمی، عبدالواحد؛ غررالحکم و دررالکلم؛ ترجمه‌ی هاشم رسولی محلاتی؛ تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
- ابن‌ابی‌الحدید، فخرالدین ابوحامد عبدالحمید؛ شرح نهج‌البلاغه؛ تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم؛ قم، مکتبه آیت‌الله المرعشی النجفی، ۱۳۶۳ ش.
- ابن‌ابی‌جمهور، محمدبن‌زین‌الدین؛ عوالی الثانی العزیزیه فی الاحادیث الدینیّه؛ قم، دار السید الشهداء، ۱۴۰۵ ق.
- ابن‌سعد، محمدبن‌سعد؛ الطبقات‌الکبری؛ ترجمه‌ی محمود مهدوی دامغانی؛ تهران، فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۴ ش.
- ابن‌شبه‌نمیری، ابوزید عمر بن‌شبه‌بن‌عبیده‌بن‌زید؛ تاریخ‌مدینه‌المنوره؛ تحقیق فهیم محمد شلتوت؛ بیروت، دارالترث، ۱۴۱۰ ق.
- ابن‌شعبه حرانی، حسن‌بن‌علی؛ تحف‌العقول؛ ترجمه و تحقیق صادق حسن‌زاده؛ قم، آل‌علی^(ع)، ۱۳۸۲ ش.
- ابن‌شهاب‌زهری، محمدبن‌مسلم؛ المغازی النبویه؛ تحقیق سهیل زکار؛ دمشق، دارالفکر، ۱۴۰۰ ق.
- ابن‌شهرآشوب، رشیدالدین محمدبن‌علی؛ مناقب آل‌ابی‌طالب، طه‌الثانیه؛ قم، المطبعه‌العلمیه، ۱۴۰۴ ق.
- ابن‌طقطقی، محمدبن‌علی‌بن‌طباطبا؛ تاریخ‌فخری؛ ترجمه‌ی محمد وحید گلپایگانی؛ چاپ دوم، تهران، نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
- ابن‌عبدالبر، یوسف‌بن‌عبدالله؛ الاستیعاب فی معرفه‌الأصحاب؛ تحقیق علی‌محمد بجاوی؛ بیروت، دار‌الجبلا بن‌عبدالبر، ۱۴۱۵ ق.
- ابن‌فارس، ابوالحسین احمد؛ معجم‌مقاییس‌اللغه؛ تحقیق عبدالسلام هارون؛ الطبعه‌الثانی، مصر، شرکه مکتبه و مطبعه‌الحلبی، ۱۳۸۹ ق.
- ابن‌منظور، جمال‌الدین؛ لسان‌العرب؛ قم، ادب‌الحوزه، ۱۴۰۵ ق.
- ابن‌هشام، عبدالملک؛ السیره‌ی النبویه؛ تحقیق مصطفی سقا و دیگران؛ مصر، مطبعه‌مصطفی‌البابی‌الحلبی، ۱۳۷۵ ش.
- اشتهدادی، محمد؛ عبدوس، محمدتقی؛ آموزه‌های اخلاقی و رفتاری امامان شیعه‌علیهم‌السلام؛ چاپ هشتم، قم، بوستان‌کتاب، ۱۳۹۱ ش.
- البرقی، ابوجعفر احمدبن‌محمدبن‌خالد؛ المحاسن؛ به‌اهتمام جلال‌الدین حسنی؛ تهران، دارالکتب‌الاسلامیه، ۱۳۷۰ ق.
- بیات، محسن؛ «تجربه‌تحریم؛ راه‌بردی برای شناخت آسیب‌پذیری‌ها و تحقق اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران»؛ راه‌برد، سال بیست‌وششم، شماره ۸۴، ۱۳۹۶ ش.
- بیرونی، ابوریحان؛ آثار‌الباقیه؛ ترجمه‌ی اکبر داناسرشت؛ تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳ ش.
- پیغامی، عادل؛ تورانی، حیدر؛ «نقش برنامه‌درسی اقتصاد در برنامه‌تعلیم و تربیت رسمی و عمومی

دنیا، ارائه یک برنامه عملی برای یک برنامه درسی مغفول؛ نوآوری های آموزشی، سال نهم، شماره ۳۷، ۱۳۹۰ ش.

- ثقفی، ابوسحاق ابراهیم بن محمد؛ الغارات؛ ترجمه‌ی عزیزالله عطاردی؛ تهران، عطار، ۱۳۷۳ ش.
- حاکم حسکانی، عبیدالله بن عبدالله بن احمد نیشابوری؛ شواهد التنزیل و لقواعد التفضیل؛ تحقیق محمدباقر محمودی؛ تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۹۹۱ م.
- حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه؛ تهران، انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ ق.
- حکیمی، محمدرضا؛ الحیاه؛ ترجمه‌ی احمد آرام؛ تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
- حمیری، عبدالله بن جعفر؛ قرب الاستاد؛ قم، مؤسسه آل‌البتیت، ۱۴۱۳ ق.
- راغب اصفهانی؛ مفردات؛ تهران، بالمکتبه المرتضویه، ۱۳۷۸ ق.
- ریموند، اینو؛ آموزش و توسعه؛ ترجمه‌ی اباصلت خراسانی و سمیه دانشمندی؛ تهران، مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران، ۱۳۹۳ ش.
- سمهودی، علی بن عبدالله حسن؛ وفاء الوفا باخبار دارالمصطفی؛ تحقیق عبدالحمید محمد محی‌الدین؛ طبخ الثانی؛ بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- شریف رضی، محمد؛ نهج‌البلاغه؛ ترجمه‌ی محمد دشتی؛ قم، مشرقین، ۱۳۷۹ ش.
- طباطبایی، محمدحسین؛ تفسیر المیزان؛ ترجمه‌ی محمدباقر موسوی؛ قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸ ش.
- طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان؛ تحقیق محمدجواد بلاغی؛ تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۳ ش.
- الطریحی، فخرالدین؛ مجمع البحرین؛ تهران، المکتبه المرتضویه، ۱۳۶۵ ش.
- فتال نیشابوری، محمد بن حسین؛ روضة الواعظین و بصیرة المتعظین؛ قم، دلیل ما، ۱۴۲۳ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تهران، اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
- لیثی واسطی، کافی‌الدین ابوالحسن علی بن محمد اللیثی؛ عیون الحکم و المواعظ؛ تحقیق حسین الحسنی البیرجندی؛ قم، دارالحديث، ۱۳۷۶ ش.
- مبرد، محمد بن یزید ازدی؛ الکامل؛ تحقیق محمد احمد الدالی؛ بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ ق.
- متقی هندی، علی بن حسام‌الدین؛ کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال؛ تحقیق محمد عمر دمیاطی؛ لبنان، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ ق.
- مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار؛ تهران، اسلامی، ۱۳۶۳ ش.
- مفید، محمد بن نعمان؛ الارشاد؛ ترجمه‌ی محمدباقر ساعدی خراسانی؛ تهران، اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
-؛ امالی؛ ترجمه‌ی حسین استاد ولی؛ مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۴ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ ش.
- نراقی، محمد مهدی؛ جامع السعادات؛ ترجمه‌ی کریم فیضی؛ قم، قائم آل علی، ۱۳۹۴ ش.
- نعمان مغربی، محمد؛ دعائم الإسلام؛ چاپ دوم، قم، مؤسسه آل‌البتیت، ۱۳۸۵ ش.
- نوری، میرزا حسین؛ مستدرک الوسائل؛ طبخ الرابعه؛ بیروت، مؤسسه آل‌البتیت الاحیاء التراث، ۱۴۱۸ ق.
- یاقوت حموی، شهاب‌الدین؛ معجم البلدان؛ بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۹ ق.

- یعقوبی، ابن‌واضح؛ تاریخ یعقوبی؛ ترجمه‌ی محمدابراهیم آیتی؛ چاپ ششم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱ ش.
- Michael K. Salemi, (2005) Teaching Economic Literacy: Why, What and How, International Review of Economics Education, volume 4, issue 2 (2005), pp. 46- 57
- Ilhan, Ozturk, The role of education in economic development: a theoretical perspective, Journal of Rural Development and Administration, Volume XXXIII, No. 1, Winter 2001, pp. 39 -47.
- Refriger, Luca and Gabriella Aleandri, The Economics of Education as Educational Science, Social and behavioral Sciences, 116, 2059 – 2063, 2014.
- • Becker, William, Greene, William, and Sherwin, Rosen, »Research on High School Economic Education«, Vol. 80, No. 2, Papers and Proceedings of the Hundred and Second Annual Meeting of the American Economic Association, pp. 14 -22, 1990

